

روح نبوت: فریاد نیمه شب

دو لوح حقوق

Jeff Pippenger

2012-10-13

سخنی برای توضیح و تبیین

حال ہی میں ہم نے حقوق کی دو تختیوں کے نقل تحریر کو ہماری ویب سائٹ پر موجود مختلف زبانوں میں ترجمہ کیے جانے کے لیے تیار کرنا شروع کیا۔ ایک زبانی پیشکش کو تحریری پیشکش میں تبدیل کرنے کا کام اس سے کہیں زیادہ دشوار ہے جتنا کوئی شخص، اگر وہ ان تمام مراحل سے واقف نہ ہو جن سے گزر کر ایک زبانی پیشکش کو تحریری صورت دی جاتی ہے، سمجھ سکتا ہے؛ اور اس کے ساتھ ساتھ اس مواد کو بالآخر ویب سائٹ کی مختلف زبانوں میں ترجمہ کرنے سے متعلق لازمی دشواریاں بھی شامل ہیں۔ ہم نے ابھی پچانوے پیشکشوں میں سے پہلی کی نقل ادارت شروع ہی کی تھی کہ میں نے ایک اور مرحلہ دریافت کیا جس سے ہمیں بھی گزرنا ہوگا۔ اس کا تعلق 1989 سے لے کر ہماری موجودہ تاریخ تک اس پیغام کی تدریجی ترقی سے ہے۔

در ارائه های حدود پانزده سال پیش، حقایق وجود داشت که در مرحله نوزادی فهم قرار داشتند. نخستین آن حقایق که باید روشن سازم، فرارسیدن فرشته دوم در تاریخ میلریتی است. در آن زمان من چنین می فهمیدم که فرشته دوم هنگامی فرارسید که کلیساهای پروتستان، همزمان با پایان یافتن سال ۱۸۴۳، درهای خود را بر روی ارائه پیام فرشته اول توسط میلر بستند. ویلیام میلر بر مبنای محاسبه ای زمانی عمل می کرد که به باور او نشان می داد سال ۱۸۴۳ در ۲۲ مارس ۱۸۴۳ آغاز شده و در ۲۲ مارس ۱۸۴۴ پایان یافته است. او گمان می برد که آن سه نبوتی که سرانجام بر روی دو نمودار مقدس قرار گرفتند، در سال ۱۸۴۳ به پایان می رسند، و باور داشت که آن سال در ۲۲ مارس ۱۸۴۴ خاتمه یافته است. او در دو نکته در اشتباه بود.

سه پیشگویی ۱۳۳۵ روز دانیال باب دوازدهم، ۲۵۲۰ سال «هفت زمان» لایوان باب بیست و شش، و ۲۳۰۰ روز دانیال باب هشتم، از سوی میلر چنین فهمیده شده بود که در مارس ۱۸۴۴ به پایان می رسند. سپس خداوند سموئیل اسنو را هدایت کرد تا نه تنها دریابد که این پیشگویی ها نه در ۱۸۴۳، بلکه در ۱۸۴۴ پایان یافتند. اسنو محاسبه زمان بر پایه تقویم قرائیمی را به کار برد؛ و این همان شیوه محاسبه زمانی نبود که میلر به کار می برد. میلر از محاسبه ربانی/مبتنی بر اعتدال بهاری استفاده می کرد که سال را از بهار تا بهار محسوب می نمود.

هنگامی که «دو لوح حقوق» را ارائه می کردیم، این واقعیت تاریخی را دریافته بودیم و از تجربه میلر استفاده می کردیم تا ۲۲ مارس ۱۸۴۴ را به عنوان زمان فرارسیدن فرشته دوم و آغاز زمان تأخیر مشخص کنیم. من فهمیدم، و هنوز نیز بر این باورم، که فرارسیدن آن فرشته مطابق بود با زمانی که پروتستان ها پیام فرشته اول میلر را رد کردند، و متن زیر مرجع من بود.

junio de 1842, el Sr. Miller dio su segundo ciclo de conferencias en la iglesia de 27» Casco Street, en Portland. Sentí que era un gran privilegio asistir a estas conferencias; porque yo había caído bajo desalientos, y no me sentía preparada para encontrarme con mi Salvador. Este segundo ciclo produjo mucha más agitación en la ciudad que el primero. Con pocas excepciones, las diferentes denominaciones cerraron las puertas de sus iglesias contra el Sr. Miller. Muchos discursos desde los diversos púlpitos

procuraban poner en evidencia los supuestos errores fanáticos del conferencista; pero multitudes de oyentes ansiosos asistían a sus reuniones, y muchos no podían entrar en la casa. Las congregaciones estaban extraordinariamente quietas y atentas». Life Sketches, 27»

میں نے سمجھا کہ ملر کے پیغام کے لیے دروازوں کا بند ہونا پہلے فرشتے کے رد کیے جانے کے آغاز کی علامت تھا، اور وقت کے ربّانی/اعتدال ربیعی پر مبنی حساب کے بارے میں ملر کی فہم کے مطابق میں نے یہ فرض کیا کہ 22 مارچ 1844 سنہ 1843 کے اختتام کی نشان دہی کرتا ہے۔ جون 1842 میں پورٹلینڈ میں ملر کی پیشکش درحقیقت ایک ایسا وے مارک ہے جو ایک تدریجی رد کو نمایاں کرتا ہے، جو بالآخر 18 اپریل 1844 کو اختتام پذیر ہوا، لیکن ان پیشکشوں کے وقت ہم نے ابھی تک وقت کے حساب کے بارے میں سموئیل سنو کے کرائیتی اطلاق کو تسلیم نہیں کیا تھا۔

در نخستین ارائه‌ای که آغاز به ویرایش آن کردیم، دریافتیم که آنچه در آن زمان ثبت شده بود، به نظر می‌رسد با آنچه اکنون تعلیم می‌دهیم در تضاد باشد. هم هست و هم نیست. این صرفاً تأکیدی است بر فرارسیدن تدریجی فرشته دوم، و نیز تصویری از گشایش تدریجی مهر این پیام، همان‌گونه که در تاریخ میلری نیز چنین بود. این یادداشت روشن‌گرانه باید پاسخگوی کسانی باشد که بر سر شناسایی 19 آوریل 1844 به عنوان نخستین نومیدی میلری و آنچه در گذشته تعلیم داده می‌شد، دچار لغزش شده‌اند.

«پیام نخست و دوم در سال‌های ۱۸۴۳ و ۱۸۴۴ داده شدند، و اکنون ما تحت اعلام پیام سوم هستیم؛ اما هر سه پیام هنوز باید اعلام شوند. اکنون نیز همچون هر زمان دیگر، کاملاً ضروری است که این پیام‌ها برای کسانی که در جست‌وجوی حقیقت‌اند تکرار شوند. ما باید با قلم و زبان این اعلان را طنین‌انداز سازیم و ترتیب آن‌ها و نیز کاربرد نبوت‌هایی را که ما را به پیام فرشته سوم می‌رسانند، نشان دهیم. بدون پیام نخست و دوم، پیام سوم نمی‌تواند وجود داشته باشد. این پیام‌ها را باید از طریق نشریات و در موعظه‌ها به جهان برسانیم و در امتداد تاریخ نبوی، اموری را که رخ داده‌اند و اموری را که رخ خواهند داد، نشان دهیم.» Selected Messages, book 2, 104

دو لوح حقوق 1 از 95

دیباچه بر دو لوح حقوق و فریاد نیمه‌شب

در این سلسله، در طی مدتی طولانی به بررسی دو لوح حقوق—نمودارهای ۱۸۴۳ و ۱۸۵۰—خواهیم پرداخت. آغاز کار را با قرار دادن فریاد نیمه‌شب در جایگاه خود شروع خواهیم کرد. همان‌گونه که اشاره شد، بخش زیادی از ارائه‌های آغازین برای کسانی که با این پیام آشنایی دارند، جنبه مرور خواهد داشت؛ اما از آنجا که در حال آماده‌سازی مجموعه‌ای هستیم که ممکن است توسط افرادی تازه‌وارد به این پیام مطالعه شود، باید برخی مفاهیم بنیادی را برای ایشان تبیین کنیم. از فریاد نیمه‌شب آغاز خواهیم کرد و بر جنبه‌ای متمرکز خواهیم شد که در نخستین رؤیای الن وایت یافت می‌شود. بیایید نخستین بند از کتاب Christian Experience and Teachings، صفحه 57، را بخوانیم.

مدتی نگذشته بود از سپری شدن زمان در سال ۱۸۴۴ که نخستین رؤیای آشکار به من عطا شد. من در پورتلند مین به دیدار خانم هینز رفته بودم؛ خواهری عزیز در مسیح که دلش با دل من پیوند یافته بود. ما پنج تن، همگی زن، در سکوت نزد مذبج خانوادگی زانو زده بودیم. در حالی که دعا می‌کردیم، قدرت خداوند بر من فرود آمد، چنان‌که هرگز پیش از آن نیامده بود.

این پنج زن، که دل‌هایشان با خواهر وایت پیوند یافته بود، با هیچ‌یک از مظاهر قدرت خدا مخالفتی نداشتند. شایان توجه است که همگی آنان زن بودند، که نمایانگر کلیسا هستند، و شمارشان پنج تن بود، که می‌توان آن را به منزله پنج باکره دانا دید. این صرفاً یک مشاهده است.

به نظر می‌رسید که در احاطه نور قرار دارم و از زمین پیوسته بالاتر و بالاتر می‌روم. برگشتم تا قوم ادونت را در جهان بجویم، اما ایشان را نیافتم، که ناگاه آوازی به من گفت: «بار دیگر بنگر، و اندکی بالاتر را نگاه کن.» پس چشمان خود را برافراشتم و راهی راست و تنگ را دیدم که در بلندی، فراز جهان، برپا شده بود. بر این راه، قوم ادونت به سوی شهر در حرکت بودند؛ شهری که در انتهای دور آن راه قرار داشت. در آغاز راه، نوری درخشان در پشت سر ایشان برپا شده بود، که فرشته‌ای به من گفت آن «فریاد نیمه‌شب» است. این نور در سراسر راه می‌تابید و پای‌های ایشان را روشن می‌ساخت تا مبدا بلغزند. اگر چشمان خود را بر عیسی، که اندکی پیشاپیش ایشان بود و آنان را به سوی شهر رهبری می‌کرد، ثابت نگاه می‌داشتند، در امان بودند. اما دیری نپایید که برخی خسته شدند و گفتند شهر بسیار دور است، و انتظار داشتند پیش از این به آن داخل شده باشند. آنگاه عیسی با بالا بردن بازوی راست پرچمال خویش ایشان را تشویق می‌کرد، و از بازوی او نوری برمی‌آمد که بر گروه ادونتی به اهتزاز درمی‌آمد، و ایشان فریاد می‌زدند: «هَلْلُوْاه!» دیگران به شتاب نوری را که در پشت سرشان بود انکار کردند و گفتند این خدا نبود که آنان را تا اینجا هدایت کرده بود. آنگاه نور پشت سر ایشان خاموش شد، و پاهایشان در تاریکی مطلق فرو رفت، و لغزیدند و نشان و عیسی را از نظر گم کردند، و از راه به زیر، در جهان تاریک و شریر پایین، سقوط کردند.

ولیم میلر و فریاد نیمه‌شب

در این نخستین ارائه، پس از تثبیت چند نکته، درباره کنفرانس ادونتیست‌ها در لو همپتن در دسامبر 1844 بحث خواهیم کرد. در این کنفرانس، شماری از میلری‌ها گرد آمدند و ویلیام میلر برداشت فریاد نیمه‌شب را رد کرد. منطق در اینجا این است که این رؤیا، هرچند برای همه ماست، به‌ویژه برای ویلیام میلر بود.

در همان ماه، ویلیام میلر نوری را که در پشت سر ایشان بود—فریاد نیمه‌شب—انکار کرد؛ نوری که سبب می‌شد او از راه به سوی جهان شریر زیر آن سقوط کند. ما پیامدهای این امر را بررسی خواهیم کرد. شواهد تاریخی نشان می‌دهد که همه میلری‌ها بر این باور بودند که در حال تحقق بخشیدن به مَثَل ده باکره‌اند؛ این امر در میان آنان دانشی همگانی بود. ما نشان خواهیم داد که ویلیام میلر درکی از این‌که فریاد نیمه‌شب چیست، داشت. میلر بر این باور بود که فریاد نیمه‌شب همان پیام ساعت داوری دانیال 8:14 و مکاشفه 9-14:6 است. او معتقد بود پیامی که در اوایل دهه 1830 به اعلام آن آغاز کرد، همان فریاد نیمه‌شب بود: «اینک، داماد می‌آید»؛ و این‌که عیسی به‌عنوان داماد به جهان می‌آید.

برای بخش اعظم تاریخ میلریتی، آنان بر این باور بودند که در حال تحقق مَثَل ده باکره‌اند، اما گمان می‌کردند که فریاد نیمه‌شب همان پیامی است که خود اعلام می‌کردند. با این حال، تا تابستان ۱۸۴۴، فهمی تازه و درست پدیدار شد: فریاد نیمه‌شب همان جنبش ماه هفتم بود، که در آن انتظار می‌رفت عیسی در روز دهم ماه هفتم بیاید. آن، فریاد نیمه‌شب حقیقی بود. هنگامی که میلر در دسامبر ۱۸۴۴ فریاد نیمه‌شب حقیقی را رد کرد، در واقع تاریخ تابستان ۱۸۴۴ را رد می‌کرد و به موضع پیشین خود بازمی‌گشت که آن را صرفاً پیام عمومی دهه ۱۸۳۰ می‌دانست. درک پویایی‌های فریاد نیمه‌شب امری حیاتی است. اگر 2520 را آن‌گونه که میلریتی‌ها درک می‌کردند نفهمید، نمی‌توانید فریاد نیمه‌شب را درک کنید. اگر نتوانید فریاد نیمه‌شب را آن‌گونه که میلریتی‌ها درک می‌کردند بفهمید، از مسیر به سوی دنیای شریر زیر پای خود فرو می‌افتید.

در این ارائه، ما با برخی حقایق موجود بر نمودار آغاز خواهیم کرد که امروزه از سوی ادونتیس‌م به‌طور آشکار رد می‌شوند. مؤسسه پژوهش‌های کتاب مقدسی کلیسای ادونتیست روز هفتم و اکثر الهی‌دانان ادونتیست، 2520 را رد می‌کنند. ما در ادامه به‌صورت کتاب مقدسی به این موضوع خواهیم پرداخت، اما در آغاز نشان خواهیم داد که الن وایت به‌طور کامل 2520 را تأیید می‌کند. این مؤسسه و نیز اکثر الهی‌دانان همچنین برداشت پیشگامان از «مداوم» را رد می‌کنند. ما نشان خواهیم داد که رد کردن برداشت پیشگامان مبنی بر این که «مداوم» همان بت‌پرستی است، به‌معنای رد کردن روح نبوت است. این مؤسسه همچنین به‌طور علنی برداشت پیشگامان از شیپورها—شیپور پنجم و ششم—را رد می‌کند. ما با این نشان دادن آغاز خواهیم کرد که رد کردن برداشت پیشگامان از شیپورها، رد کردن روح نبوت است.

امروز، بیشتر ادونتیست‌ها دربارهٔ ۱۲۹۰ و ۱۳۳۵، در بهترین حالت، در ابهام‌اند. بدون درک پیشگامان از ۱۳۳۵، هیچ توجیه کتاب مقدسی برای شناسایی زمان تأخیر که در ۲۲ مارس ۱۸۴۴ آغاز شد، وجود ندارد. بدون فهم زمان تأخیر، کسی نمی‌تواند پویایی‌های فریاد نیمه‌شب را دریابد. بدون فهم فریاد نیمه‌شب، انسان از راه به جهان شریر زیر پای خود سقوط می‌کند. ما این حقایق را بر نمودار، از منظر تأیید روشن روح نبوت، نشان خواهیم داد، و سپس آن‌ها را از کلام خدا تجزیه و بررسی خواهیم کرد. اما نخست، باید ببینیم چه چیزهایی تاریخ میلریتی را احاطه کرده بود و چه عاملی فریاد نیمه‌شب را پدید آورد.

تاریخ میلری و ظهور فرشتهٔ نخست

ما با اوریا اسمیت از کتاب «اندیشه‌هایی دربارهٔ دانیال و مکاشفه»، صفحهٔ ۵۲۱، آغاز می‌کنیم تا تاریخ میلری و موضوع سال ۱۷۹۸ را نشان دهیم. اوریا اسمیت می‌نویسد: «توالی زمانی رویدادهای مکاشفه ۱۰ همچنین از این واقعیت روشن‌تر معلوم می‌شود که این فرشته با فرشتهٔ اول مکاشفه ۱۴ یکی است.» در مکاشفه ۱۰، فرشته‌ای نیرومند از آسمان فرود می‌آید و در دست خود کتابچه‌ای گشوده دارد. الن وایت به ما اطلاع می‌دهد که این فرشته نیرومند، عیسی مسیح است، و آن کتابچه، کتاب دانیال است. تا پایان باب دهم، به یوحنا گفته می‌شود که کتابچه را بخورد، که در دهانش شیرین و در شکمش تلخ خواهد بود. یوحنا نمایندهٔ تاریخ میلری است، جایی که پیام دانیال شیرین است، اما به ناامیدی تلخ می‌انجامد. فرشتهٔ نیرومند مکاشفه ۱۰، بنا بر نظر پیشگامان، همان فرشتهٔ اول مکاشفه ۱۴ است—آن دو یک فرشته‌اند.

ما غالباً وقت زیادی را صرف مشخص‌ساختن این فرشتگان در مکاشفه نمی‌کنیم، اما باید چنین کنیم. فرشتهٔ نیرومند مکاشفه ۱۰ همان فرشته‌ای نیز هست که ویلیام میلر بر این باور بود که با به انجام رساندن کار فرشتهٔ اول مکاشفه ۱۴، ندای نیمه‌شب را تحقق می‌بخشد: «از خدا بترسید و او را جلال دهید، زیرا ساعتِ داوری او فرا رسیده است.» ساعتِ داوری او به دانیال ۸:۱۴ اشاره دارد. این فرشتگان جنبه‌های گوناگون کاری را که به انجام رسیده است مشخص می‌کنند.

بازگشت به اوریا اسمیت: «توالی زمانی رویدادهای مکاشفه ۱۰ افزون بر این از این واقعیت آشکارتر می‌گردد که این فرشته با فرشتهٔ نخست مکاشفه ۱۴ یکسان است.» او توضیح می‌دهد چه چیز آن دو را به هم پیوند می‌دهد: هر دو پیام ویژه‌ای برای اعلام دارند، هر دو اعلان خود را با آواز بلند بیان می‌کنند، هر دو از زبانی مشابه در اشاره به آفریننده استفاده می‌کنند، و هر دو زمان را اعلام می‌نمایند—یکی سوگند می‌خورد که دیگر زمانی نخواهد بود، و دیگری اعلام می‌کند که ساعتِ داوری خدا فرا رسیده است. پیام مکاشفه ۱۴:۶ در این سوی آغاز زمان آخر واقع شده است.

آرایا اسمیت اظهار می‌دارد که زمان آخر، سال ۱۷۹۸ است، و پیام مکاشفه ۱۴ پس از آن می‌آید. او می‌نویسد: «اما پیام مکاشفه ۱۴:۶ در این سوی آغاز زمان آخر قرار دارد. این ندا، اعلام فرا رسیدن

ساعتِ داوری خداست، و از این رو باید کاربردِ خود را در آخرین نسل داشته باشد. پولس ساعتِ فرا رسیدنِ داوری را موعظه نکرد. لوتر و همکارانش نیز آن را موعظه نکردند. پولس دربارهٔ داوری‌ای که خواهد آمد، و آن هم در آینده‌ای نامعین، استدلال می‌کرد، و لوتر آن را دست‌کم سیصد سال پس از روزگارِ خود قرار می‌داد. افزون بر این، پولس کلیسا را برحذر می‌دارد از هرگونه موعظه‌ای از این دست که ساعتِ داوری خدا فرا رسیده است، تا زمانی معین. «در ۲ تسالونیکیان ۱: ۳-۲، پولس می‌گوید که روز مسیح نزدیک نیست مگر آنکه نخست ارتداد واقع شود و مرد گناه آشکار گردد. پولس مرد گناه، شاخ کوچک، پاپیت را مطرح می‌سازد و با هشدارِ تمام دوره برتری او را دربر می‌گیرد، دوره‌ای که ۱۲۶۰ سال ادامه یافت و در ۱۷۹۸ پایان پذیرفت.

در سال ۱۷۹۸، محدودیتِ منع اعلام نزدیک بودنِ روزِ مسیح پایان یافت. زمان آخر آغاز شد، و مهر از کتاب کوچک برداشته شد. از آن زمان، فرشته مکاشفه ۱۴ به پیش رفته است. اورایاه اسمیت می‌گوید: «اگر بخواهید آن را ببینید، از سال ۱۷۹۸، پیام فرشتهٔ اول به پیش رفته است. در سال ۱۷۹۸، نخستین فرشته مکاشفه ۱۴ در تاریخ ظاهر می‌شود» —این همان فهم پیشگامان است. «از آن زمان، فرشته مکاشفه ۱۴ اعلام کرده است که ساعتِ داوری خدا فرا رسیده، و فرشته بابِ دهم بر دریا و خشکی ایستاده، سوگند خورده است که دیگر زمانی نخواهد بود. هویتِ آن‌ها بی‌تردید است. هر استدلالی که جایگاهِ یکی را تعیین کند، برای دیگری نیز نافذ است. نسل حاضر شاهدِ تحققِ این دو نبوت است. در موعظه ظهور، به‌ویژه از ۱۸۴۰ تا ۱۸۴۴، تحققِ کامل و مشروحِ آن‌ها آغاز شد.»

اسمیت در اشاره به فرشتهٔ اول مکاشفه ۱۴ که در سال ۱۷۹۸ ظاهر می‌شود، سال‌های ۱۸۴۰ و ۱۸۴۴ را مشخص می‌کند؛ اما فرشتهٔ اول را نیز در سال ۱۸۴۰ نشان می‌دهد، یعنی جایی که پیام قدرت می‌یابد. در موعظه آمدن، به‌ویژه از ۱۸۴۰ تا ۱۸۴۴، تحققِ کاملِ آن‌ها آغاز شد. جایگاه فرشته، با یک پا بر دریا و یک پا بر خشکی، گستره وسیع اعلام او را نشان می‌دهد. این پیام از اقیانوس عبور می‌کرد و به ملت‌های گوناگون امتداد می‌یافت، و اعلام آمدن نیز واقعاً به هر ایستگاه بشارتی در جهان رسید. از سال ۱۸۴۰، پیام فرشتهٔ اول، بنا بر گفتهٔ الن وایت، به هر ایستگاه بشارتی در جهان برده شد. این امر هنگامی تحقق یافت که اصل روز-سال نبوت کتاب مقدس با فروپاشی امپراتوری عثمانی تأیید شد. ما در اینجا با جزئیات این موضوع سروکار نداریم، بلکه زمینه را برای تاریخ میلریتی و پویایی‌های ندای نیمه‌شب فراهم می‌سازیم.

رویدادهای کلیدی تاریخی: ۱۸۳۳ و سقوط ستارگان

در سال ۱۸۳۳، سقوط ستارگان واقع شد. الن وایت در کتاب «نبرد عظیم»، صفحه ۳۳۳، چنین اظهار نظر می‌کند: «در سال ۱۸۳۳، دو سال پس از آنکه میلر آغاز کرد که شواهدِ آمدنِ نزدیکِ مسیح را در ملأ عام ارائه کند، آخرین آن نشانه‌هایی پدیدار شد که نجات‌دهنده آن‌ها را به‌عنوان علاماتِ ظهورِ دومِ خود وعده داده بود. عیسی فرمود: "ستارگان از آسمان فرو خواهند افتاد." متی ۲۴: ۲۹. و یوحنا در مکاشفه اعلام کرد، آنگاه که در رؤیا صحنه‌هایی را مشاهده می‌کرد که می‌بایست روز خدا را اعلام کنند: "ستارگان آسمان بر زمین فرو ریختند، چنان‌که درختِ انجیر، چون از بادِ شدیدی تکان داده شود، انجیرهای نارس خود را فرو می‌اندازد." مکاشفه ۶: ۱۳. این نبوت، در بارشِ عظیمِ شهابی ۱۳ نوامبر ۱۸۳۳، تحققِ چشمگیر و تأثیرگذار یافت.»

ویلیام میلر کی گواهی بیان کرتی ے:

«روزِ شنبه، پس از صبحانه - در تابستان ۱۸۳۳ - پشت میز خود نشستم تا نکته‌ای را بررسی کنم، و چون برخاستم تا برای کار بیرون بروم، این پیام با نیرویی بیش از هر زمان دیگر بر دلم نشست: «برو و آن را به جهان بگو.» این تأثیر چنان ناگهانی بود و با چنان قوتی آمد که در صندلی‌ام فرو نشستم و گفتم: «خداوندا، نمی‌توانم بروم.» گویی پاسخ آمد: «چرا نه؟» و آنگاه همه عذرهای من

به ذهنم آمد، ناتوانی و بی‌کفایتی‌ام؛ اما اندوه و اضطرابم چنان عظیم شد که با خدا عهدی solemn بستم که اگر او راه را بگشاید، خواهم رفت و وظیفه‌ام را نسبت به جهان به انجام خواهم رساند. گویی این سخن به من رسید: «منظورت از گشودن راه چیست؟» گفتم: اگر دعوتی برای سخن گفتن علنی در هر جایی به من برسد، خواهم رفت و آنچه را در کتاب مقدس درباره آمدن خداوند می‌یابم، به ایشان خواهم گفتم. در همان دم، تمام بارم از دوشم برداشته شد. و شادمان شدم از اینکه احتمالاً هرگز چنین درخواستی از من نخواهد شد، زیرا هرگز چنین دعوتی نداشتم، آزمایش‌هایم بر کسی معلوم نبود، و انتظار اندکی داشتم که به هر عرصه‌ای از خدمت دعوت شوم. حدود نیم ساعت پس از این ماجرا، پیش از آنکه از اتاق بیرون رفته باشم، پسر آقای گیلفورد از درسدن، که حدود شانزده میل با محل سکونت فاصله داشت، وارد شد و گفت پدرش در پی من فرستاده است و می‌خواهد با او به خانه‌شان بروم، و من گمان کردم که لابد می‌خواهد درباره کاری با من دیدار کند. از او پرسیدم چه می‌خواهد. پاسخ داد که فردا در کلیسای ایشان وعظی نخواهد بود، و پدرش می‌خواهد من بیایم و با مردم درباره موضوع آمدن خداوند سخن بگویم. بی‌درنگ از خود خشمگین شدم که چرا چنین عهدی بسته بودم. در همان لحظه در برابر خداوند سر به طغیان برداشتم و تصمیم گرفتم نروم. آن پسر را بی‌آنکه پاسخی به او بدهم ترک کردم و با اندوهی عظیم به پیشه‌ای در همان نزدیکی رفتم. آنگاه نزدیک به یک ساعت با خداوند کشمکش کردم و کوشیدم خود را از عهدی که با او بسته بودم رها سازم، اما هیچ آسایشی نیافتم. این سخن بر وجدانم نقش بست: «آیا با خدا عهد می‌بندی و چنین زود آن را می‌شکنی؟» و گناه بسیار چنین کاری مرا فرو گرفت. سرانجام تسلیم شدم و به خداوند وعده دادم که اگر او مرا نگاه دارد، خواهم رفت و بر او توکل خواهم کرد تا فیض و توانایی انجام هر آنچه را که از من بخواهد به من عطا کند. به خانه بازگشتم و آن پسر را همچنان در انتظار یافتم. او تا پس از ناهار ماند، و من همراه او به درسدن بازگشتم.»

به این‌گونه بود که میلر، در تابستان ۱۸۳۳، پیام را به‌طور علنی مطرح ساخت. در دسامبر ۱۸۳۳، سقوط ستارگان بر جدیت پیام او افزود.

۱۸۴۰: تحقق نبوت و امپراتوری عثمانی

در سال ۱۸۴۰، الن وایت درباره تحقق شگفت‌انگیزی از نبوت اظهار نظر می‌کند. این عبارت در روح نبوت غالباً مورد مناقشه قرار گرفته است؛ برخی استدلال می‌کنند که اوریاها اسمیت آن را در کتاب نبرد عظیم گنجانده است، اما این استدلال‌ها بی‌اساس‌اند. او درباره توالی تحقق‌های نبوی‌ای سخن می‌گوید که به سال ۱۸۴۰ منتهی می‌شدند، از جمله سقوط ستارگان و روز تاریک. او می‌نویسد: «در سال ۱۸۴۰، تحقق شگفت‌انگیز دیگری از نبوت، علاقه‌ای گسترده برانگیخت.»

او به نبوت کتاب مقدسی اشاره دارد، نه صرفاً به یک پیشگویی انسانی از سوی جوزیا لیچ.

دو سال پیش از آن، یوشیا لیچ، یکی از خادمان برجسته‌ای که موعظه آمدن ثانی را می‌کرد، تفسیری از مکاشفه ۹ منتشر ساخت و در آن سقوط امپراتوری عثمانی را پیشگویی نمود. بنا بر محاسبات او، این قدرت می‌بایست در ۱۱ اوت ۱۸۴۰ سرنگون شود. در زمان تعیین‌شده، ترکیه، از طریق سفیران خود، حمایت قدرت‌های متحد اروپا را پذیرفت و بدین‌سان خود را تحت سلطه ملت‌های مسیحی قرار داد. این رویداد دقیقاً پیشگویی را به انجام رسانید. چون این امر معلوم شد، انبوهی از مردم به درستی اصول تفسیر نبوی که میلر و همکارانش اختیار کرده بودند، متقاعد شدند، و جنبش ادونتی نیروی محرکه‌ای شگفت‌انگیز یافت. مردان اهل دانش و صاحب‌منصب با میلر در موعظه و نشر دیدگاه‌های او متحد شدند، و از ۱۸۴۰ تا ۱۸۴۴، این کار به سرعت گسترش یافت.

اوریا اسمیت به ما گفته بود که فرشته اول مکاشفه ۱۴ در سال ۱۷۹۸ ظاهر شد، اما او همان فرشته مکاشفه ۱۰ است. در مکاشفه ۱۰، به یوحنا گفته می‌شود که کتاب کوچک را از دست فرشته بگیرد و آن را بخورد، و آن در دهانش شیرین خواهد شد. پیام میلری در ۱۱ اوت ۱۸۴۰، پس از دو سال پیشگویی فروپاشی امپراتوری عثمانی بر اساس اصل سال-روز نبوت کتاب مقدس، شیرین شد. هنگامی که آن رویداد دقیقاً به انجام رسید، پیامی که آنان اعلام می‌کردند در دهانشان شیرین شد.

در ۱۱ اوت ۱۸۴۰، این پیام در دهان ایشان شیرین شد. به یوحنا گفته می‌شود که کتاب کوچک را از دست آن فرشته‌ای که نازل شده است، بگیرد. آن فرشته در ۱۱ اوت ۱۸۴۰ نازل می‌شود، و این فرشته مکاشفه ۱۰ همان فرشته اول مکاشفه ۱۴ است. فرشته مکاشفه ۱۴ در سال ۱۷۹۸، در زمان آخر، می‌رسد، اما پیام او در ۱۸۴۰ قوت می‌یابد. الن وایت می‌گوید که وقتی آن رویداد شناخته شد، انبوهی از مردم به درستی اصول تفسیر نبوتی که میلر و همکارانش پذیرفته بودند، متقاعد شدند. از دهه ۱۹۳۰ به این سو، با آغاز از ۱۹۱۹ اما به‌ویژه در دهه ۱۹۳۰، ادونتیسیم قواعد تفسیر نبوتی پذیرفته شده از سوی میلر و همکارانش را رد کرده است—و آن قواعد، روش متن‌به‌متن در مطالعه کتاب مقدس بود.

نمودار ۱۸۴۳ و زمان درنگ ترجمه‌ات را با کاربردی ادبی، دقیق و در شأن نثر الهیاتی انجام می‌دهم.

نشانه بعدی در تاریخ، چارث ۱۸۴۳ است که در ماه می ۱۸۴۲ تهیه شد. الن وایت می‌گوید: «دیده‌ام که چارث ۱۸۴۳ به هدایت دست خداوند ترتیب داده شده بود و نباید تغییر داده شود؛ و اینکه ارقام همان‌گونه بودند که او می‌خواست، و دست او بر آن بود و اشتباهی را در برخی از ارقام پنهان کرده بود، به‌گونه‌ای که هیچ‌کس نمی‌توانست آن را ببیند تا زمانی که دست او برداشته شد.» این چارث یک نشانه نبوتی است که در ماه می ۱۸۴۲ تهیه شد. در ژوئن ۱۸۴۲، کلیساهای پروتستان آغاز به بستن درهای خود کردند و فرشته دوم فرا می‌رسد.

از «شهادت‌ها»، جلد اول، صفحه ۲۱: «در ژوئن ۱۸۴۲، آقای میلر دومین سلسله‌سخنرانی‌های خود را در کلیسای خیابان کاسکو در پورتلند ایالت مین ایراد کرد. با چند استثنا، فرقه‌های مختلف درهای کلیساهای خود را به روی آقای میلر بستند.» الن وایت به ما اطلاع می‌دهد که ما، به‌عنوان مسیحیان ادونتیسیت روز هفتم، باید پیام‌موزیم که از علت به معلول استدلال کنیم. علتی که کلیساهای پروتستان را به بستن درهای خود واداشت، معرفی این چارث بود. هنگامی که این چارث در ماه مه معرفی شد، کلیساهای پروتستان به این نتیجه رسیدند که میلری‌ها متعصبان گمراه‌اند.

نخستین نومیدی در پی می‌آید. از کتاب «نبرد عظیم»، صفحه ۳۹۳:

از همان سال ۱۸۴۲، رهنمودی که در این نبوت داده شده بود مبنی بر اینکه رؤیا را بنویس و آن را بر لوح‌ها به‌وضوح ثبت کن تا هر که آن را می‌خواند بدود، به چارلز فیچ الهام کرده بود تا برای تبیین رؤیاهای دانیال و مکاشفه، یک نمودار نبوتی تهیه کند. چارلز فیچ، که اندکی پیش از ناامیدی عظیم ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ درگذشت، در این تاریخ به‌وسیله خداوند به‌کار گرفته شد. او آن نمودار را تهیه کرد، و این نمودار در ماه مه ۱۸۴۲ منتشر شد.

“Das Erscheinen dieser Übersicht wurde als Erfüllung des Auftrags aus Habakuk angesehen. Niemand jedoch bemerkte eine scheinbare Verzögerung in der Erfüllung der Vision. In derselben Weissagung wird auch eine Zeit des Verweilens dargestellt. Nach der Enttäuschung erschien diese Schriftstelle bedeutsam: „Denn die Vision gilt noch für die festgesetzte Zeit; aber am Ende wird sie reden und nicht lügen. Wenn sie sich verzieht, so harre ihrer; denn sie wird gewiss kommen und nicht ausbleiben. Der

زمان تأخیر همان نومییدی نخستین است که در ۲۲ مارس ۱۸۴۴ فرا می‌رسد. میلی‌ها با به‌کارگیری محاسبه زمانی کتاب مقدسی، پایان جهان را در سال ۱۸۴۳ پیشگویی می‌کردند. چون خداوند تا آن زمان نیامد، نومییدی نخستین در ۲۲ مارس ۱۸۴۴ پدید آمد. آن همان زمان تأخیر است.

این همان زمان تأخیر در مثل ده باکره، در حقوق ۲، و در دانیال ۱۲ است. دانیال ۱۲:۱۱ می‌گوید: «و از زمانی که قربانی دائمی برداشته شود...» پیشگامان دریافتند که بت‌پرستی در سال ۵۰۸، هنگامی که کلویس ویزیکوت‌ها را شکست داد، سرکوب شد. از زمانی که بت‌پرستی برداشته می‌شود و پاپیت برقرار می‌گردد (سی سال بعد، در ۵۳۸)، باید ۱۲۹۰ روز باشد. آیه بعد می‌گوید: «خوشا به حال کسی که انتظار کشد و به هزار و سیصد و سی و پنج روز برسد.» ۵۰۸ به علاوه ۱۳۳۵ برابر با ۱۸۴۳ است. «خوشا به حال کسی که به ۱۸۴۳ برسد.» عدد ۱۳۳۵ زمان تأخیر را مشخص می‌کند و می‌گوید: «خوشا به حال کسی که انتظار کشد و به ۱۸۴۳ برسد.» اگر شما برداشت پیشگامان از «دائمی» را، همان‌گونه که الن وایت نیز چنین می‌کند، حفظ کنید، این مطلب روشن است.

برای روشن‌تر شدن مطلب، اشعیا ۳۰:۱۸ می‌گوید: «و از این‌رو خداوند انتظار خواهد کشید.» در اینجا، خداوند دامادِ مثل ده باکره است، و او درنگ می‌کند. «و از این‌رو داماد درنگ خواهد کرد تا بر شما فیض نماید، و از این‌رو او سرافراز خواهد شد تا بر شما رحمت آورد، زیرا خداوند خدای داوری است. خوشا به حال همه آنان که برای او انتظار می‌کشند.» این با دانیال ۱۲:۱۲ مطابق است: «خوشا به حال آن که انتظار کشد و به ۱۳۳۵ برسد.» داماد در ۲۲ مارس ۱۸۴۴ درنگ می‌کند. بر رسیدن به نخستین یأس، و سپس انتظار کشیدن، برکتی مترتب است. هنگامی که به اینجا می‌رسید، باید انتظار بکشید. در انتظار چه هستید؟ حقوق ۲:۳ می‌گوید: «زیرا رؤیا هنوز برای وقت معین است، اما در پایان سخن خواهد گفت و دروغ نخواهد گفت؛ هرچند درنگ کند، برایش انتظار بکش.» برکت رسیدن به ۱۳۳۵ این است که به این تاریخ می‌رسید، جایی که خداوند فریاد نیمه‌شب را به انجام خواهد رساند.

همه اجازه نخواهند یافت که در فریاد نیمه‌شب مشارکت کنند. برخی همراه با میلی‌ها سفر کردند، نه به سبب تجربه شخصی خود با عیسی مسیح یا مطالعه شخصی کلام خدا، بلکه از روی ترس. پیش از آن که فریاد نیمه‌شب فرا رسد، خداوند این برادران را از جنبش جدا می‌سازد. نخستین نومییدی بخشی از فرایند آماده‌سازی برای فریاد نیمه‌شب است. بنا بر گفته الن وایت، اگر این را درک نکنیم، از مسیر به سوی جهان شیر زیر پای خود سقوط می‌کنیم.

توان بخشی پیام فرشته دوم

از کتاب Early Writings، صفحه 238: «نزدیک به پایان پیام فرشته دوم، دیدم نوری عظیم از آسمان بر قوم خدا می‌تابید. پرتوهای این نور همچون خورشید درخشان به نظر می‌رسید، و صدای فرشتگانی را شنیدم که ندا می‌دادند: "اینک داماد می‌آید."» این همان فریاد نیمه‌شب بود که می‌بایست به پیام فرشته دوم قدرت بخشد. پیشگامان دریافتند که پیام فرشته اول در سال 1798 فرا رسید، اما با فروپاشی امپراتوری عثمانی در سال 1840 نیرو یافت. همه پیام‌ها در نقطه‌ای از زمان فرا می‌رسند و پس از آن قدرت می‌یابند. پیام فرشته دوم در 22 مارس 1844 فرا می‌رسد، هنگامی که کلیساهای پروتستان درهای خود را بر ضد پیام میلی بستند. فریاد نیمه‌شب پیام فرشته دوم را قدرت می‌بخشد. پیام فرشته سوم در 22 اکتبر 1844 فرا می‌رسد، و هنگامی قدرت می‌یابد که فرشته نیرومند مکاشفه 18 به آن می‌پیوندد. هر پیام در تاریخ فرا می‌رسد و پس از آن قدرت می‌یابد. درک این امر مهم است.

فریاد نیمه‌شب نے پیغام فرشتہ دوم کو قوت بخشی۔ آسمان سے فرشتے بھیجے گئے تاکہ دل شکستہ مقدسین کو بیدار کریں اور انہیں اپنے سامنے پڑے ہوئے عظیم کام کے لیے تیار کریں۔ نہایت باصلاحیت

آدمی اس پیغام کو سب سے پہلے قبول کرنے والے نہ تھے۔ ولیم میلر اس پیغام کو سب سے پہلے قبول کرنے والا نہ تھا؛ بلکہ اس کے برعکس، وہ اسے قبول کرنے والا آخری شخص تھا۔ پیغام کو سمجھنے میں وہ سب سے زیادہ باصلاحیت تھا، جبکہ سموئیل سنو پہلا تھا۔ جو لوگ پہلے اس کام میں راہبری کرتے رہے تھے، وہی اس فریاد کو قبول کرنے اور اسے بڑھانے میں سب سے آخر میں تھے۔ تاریخی طور پر، فریاد نیمہ شب کے پیغام کو قبول کرنے والا آخری شخص ولیم میلر تھا۔

از *نبرد عظیم*، ص. 376:

در جریان تقویت فریاد نیمه شب، حدود ۵۰,۰۰۰ نفر کلیساها را ترک کردند. از آنجا که کار میلر گرایش داشت به کلیساها رونق بخشد، در آغاز با نظر مساعد بدان نگرسته می شد؛ اما چون خادمان و رهبران دینی بر ضد آموزه ادونت تصمیم گرفتند و خواستند هرگونه تحریک و هیجان درباره این موضوع را سرکوب کنند، از منبر با آن مخالفت ورزیدند و اعضای خود را از امتیاز حضور در موعظه های مربوط به ظهور ثانی، و حتی از سخن گفتن درباره امید خویش در اجتماعات عمومی، محروم ساختند.

رهبران کلیسای ادونتیست در روزگار حاضر که تعلیم این پیام را در کلیسا و حتی در خانه های شخصی منع می کنند، در اینجا در جنبش میلری پیش نمون شده اند.

ایمانداران خود را در آزمایش و حیرت عظیمی یافتند. آنان کلیساهای خود را دوست می داشتند و از جدا شدن اکره داشتند؛ اما چون دیدند که شهادت کلام خدا سرکوب می شود و حق ایشان برای بررسی نبوت ها انکار می گردد، احساس کردند که وفاداری به خدا آنان را از تسلیم شدن منع می کند. کسانی که می کوشیدند شهادت کلام خدا را از میان بردارند، نمی توانستند به عنوان تشکیل دهنده گان کلیسای مسیح محسوب شوند. از این رو، خود را در جدا شدن از وابستگی پیشین خویش مجق می دانستند. در تابستان ۱۸۴۴، حدود ۵۰,۰۰۰ نفر از کلیساها کناره گیری کردند.

فهم میلر والصراخ الحقیقی فی نصف اللیل

از کتاب «بنیاد پیام و مأموریت کلیسای ادونتیست روز هفتم» اثر الدر دامستیگت، میلر بر این باور بود که اعلام دانیال ۸:۱۴ و فرشته اول مکاشفه ۱۴ همان ندای نیمه شب بود—«اینک داماد می آید.» او معتقد بود که این پیام، آمدن دوباره مسیح را مشخص می ساخت. میلر می پنداشت که تمام این تاریخ همان ندای نیمه شب است، اما الن وایت بیان می کند که ندای نیمه شب در مقطعی معین تحقق یافت. ساموئل اسنو سخنانی خود را «ندای حقیقی نیمه شب» نامید تا آن را از تعلیم میلری مبتنی بر این که ندای نیمه شب همان پیام عمومی بود، متمایز سازد.

روحانی ترین افراد نخست این پیام را دریافت کردند، و آنان که پیش تر در این کار پیشگام بودند، آخرین کسانی بودند که آن را پذیرفتند و به فزونی آن ندا یاری رساندند. ویلیام میلر، که از سال ۱۸۳۳ به بعد رهبری این کار را بر عهده داشت، هنگامی که پیام ندای نیمه شب در اوت ۱۸۴۴ رسید، با آن دست و پنجه نرم کرد. او درباره جدا شدن از کلیساها مردد بود و سالیان متمادی برداشت دیگری از ندای نیمه شب تعلیم داده بود.

ویلیام میلر نوشت:

"من هرگز درباره هیچ روز معینی برای ظهور خداوند یقین کامل نداشتم، زیرا بر این باور بودم که هیچ کس نمی تواند روز و ساعت را بداند. در همه درس گفتارهای منتشر شده من، چنان که در صفحه عنوان دیده خواهد شد، سخن از حدود سال 1843 است. در همه سخنانی های شفاهی خود، همواره به شنوندگانم می گفتم که اگر در محاسبه من خطایی نباشد، آن دوره ها در سال 1843 به پایان خواهد رسید؛ اما نمی توانم بگویم که ممکن نیست پایان حتی پیش از آن زمان فرا

رسد، و ایشان باید پیوسته آماده باشند. در سال 1842، بعضی از برادران با قطعیتی بسیار، همان سال دقیق را موعظه می‌کردند و مرا به سبب آوردن یک «اگر» سرزنش می‌نمودند.

در ماه مه ۱۸۴۲، نمودار ۱۸۴۳ منتشر شد، و برادران به میلر گفتند که «اگر» را از ارائه خود حذف کند.

میلر ادامه داد: «مطبوعات عمومی نیز منتشر کرده بودند که من روزی معین، یعنی بیست و سوم آوریل، را برای ظهور خداوند تعیین کرده‌ام. از این رو، در دسامبر همان سال، چون هیچ خطایی در محاسبه خود نمی‌دیدم، اعتقاد خود را منتشر ساختم که خداوند در زمانی میان ۲۱ مارس ۱۸۴۳ و ۲۱ مارس ۱۸۴۴ خواهد آمد.» میلر پیشاپیش به روز دهم ماه هفتم رسیده بود، و بسیار پیش از آنکه ساموئل اسنو از این نتیجه‌گیری برای اعلام فریاد نیمه‌شب استفاده کند، میلر درباره آن نوشته بود. میلر همان کسی بود که خداوند از او استفاده کرد تا منطق مورد استفاده ساموئل اسنو را برای تعیین ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ فراهم آورد.

میلر نوشت: «در طول سال ۱۸۴۳، شدیدترین نکوهش‌ها از سوی مطبوعات و برخی منابع بر من و کسانی که با من مرتبط بودند فرو ریخته شد. انگیزه‌های ما مورد حمله قرار گرفت، اصول ما به نادرستی بازنمایی شد، و شخصیت‌های ما مورد افترا واقع گردید.» زمان گذشت، و ۲۱ مارس ۱۸۴۴ بدون ظهور خداوند سپری شد. نومی‌دی عظیم بود، و بسیاری دیگر با ایشان همراهی نکردند. پیش از این زمان، از سال ۱۸۴۰، شمار میلی‌ها حدود ۲۰۰,۰۰۰ نفر برآورد می‌شد، اما تا این مقطع، تنها ۵۰,۰۰۰ نفر باقی مانده بودند.

میلر ادامه داد: «پیش از این، در پاییز 1843، برخی از برادرانم شروع کردند کلیساها را بابل بنامند و اصرار ورزند که وظیفه ادونت‌یست‌ها این است که از آنها بیرون آیند. از این امر، من بسیار اندوهگین شدم. نه تنها اثر آن بسیار بد بود، بلکه آن را تحریف کلام خدا و کج‌تابی کتاب مقدس نیز می‌دانستم.» میلر با پیام فرشته دوم در کشمکش بود، و همین امر پذیرش پیام حقیقی ندای نیمه‌شب را برای او دشوارتر می‌ساخت. این عمل گسترش یافت، و کلیساها درهای خود را به روی آنان بستند، و بدین‌سان خصومت پدید آمد و بیشتر ادونت‌یست‌ها از کلیساهای خود جدا شدند.

پس از آن که زمانی که او علناً اعلام کرده بود سپری شد، میلر نومی‌دی خود را در خصوص دوره دقیق اذعان کرد، اما ایمان خود را حفظ نمود. او در تابستان ۱۸۴۴ تا زمان جنبش ماه هفتم، خدمت‌های خود را در غرب ادامه داد. او در این جنبش هیچ‌گونه مشارکتی نداشت، جز نامه‌ای که هجده ماه پیش‌تر درباره آیین‌های شریعت موسی نوشته بود که به آن ماه اشاره داشت. او انتظار نداشت که از آن موضوعات چنین استفاده‌ای شود یا این که ایمان به چنین شواهدی به محک نجات بدل گردد. او تا دو یا سه هفته پیش از ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ هیچ همراهی و مشارکتی با این جنبش نداشت. میلر در نامه‌ای به هایمز به تاریخ ۶ اکتبر ۱۸۴۴ نوشت: «در ماه هفتم جلالی می‌بینم که هرگز پیش از این ندیده بودم... اکنون، متبارک باد نام خداوند، زیبایی، هماهنگی، و توافقی را در کتب مقدس می‌بینم که سالیان دراز برای آن دعا کرده بودم، اما تا امروز آن را ندیده بودم. ای جان من، خداوند را شکر کن. برادر اسنو، برادر استورس، و دیگران، به سبب وسیله بودنشان در گشودن چشمانم، مبارک باشند. من تقریباً به خانه رسیده‌ام. جلال، جلال، جلال، جلال.»

پس از آن، میلر ندای نیمه‌شب را از نو مورد بازاندیشی قرار داد و آن را تعصب‌گرایی خواند. دامستیخت اشاره می‌کند که اسنو طرح کلی اصلی پیام ندای نیمه‌شب را از نوشته‌های پیشین میلر به دست آورده بود.

محاسبات اسنو، که در مارس ۱۸۴۴ منتشر شد، تا گردهمایی اردویی اکستر، ۱۲ تا ۱۷ اوت ۱۸۴۴، توجه چندانی برنیانگیخت. در آنجا، تاریخ دقیق او برای بازگشت مسیح، بسیاری از میلیت‌ها را به هیجان آورد

و تلاش بشارتی آنان را به اوج رساند. واکنش ایشان به «جنبش ماه هفتم» معروف شد. هرچند رهبران میلریتی در آغاز با دیده تردید می‌نگریستند، چند هفته پیش از رویداد مورد انتظار، به این جنبش پیوستند و اجازه دادند دیدگاه‌های اسنو چاپ و حمایت شود.

ندای نیمه‌شب و پیام‌های آن

نخستین رؤیای الن وایت قوم خدا را بر راهی به سوی آسمان نشان می‌دهد، با نوری در پشت سر آنان که «فریاد نیمه‌شب» نامیده شده است. پیامی که ساموئل اسنو ارائه کرد باید درک شود. در ماه مه ۱۸۴۲، ۳۰۰ نمودار برای ۳۰۰ واعظ چاپ شد. تا ۲۲ مارس ۱۸۴۴، پس از نخستین نومی‌دی، آن نمودار کنار گذاشته شد و بسیاری از جنبش جدا شدند. آنان که باقی ماندند می‌بایست انتظار بکشند. در اجتماع اردوگاهی اکستر، اسنو نشان داد که خداوند در ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴، در روز کفار، خواهد آمد. این امر آنان را برانگیخت تا آن پیام را اعلام کنند.

جوزف بیتس بازگو کرد که پس از گردهمایی اردوویی اکستر، هنگامی که از میان واگن‌های قطار می‌گذشت، صداهایی را می‌شنید که پیوسته تکرار می‌کردند: «اینک داماد می‌آید!» این جنبش در مدت دو ماه سراسر ایالات متحده را فراگرفت و به نومی‌دی عظیم در ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ انجامید.

एडभेन्टवादीहरूबारे सहभागी सम्मेलनमा ह्याम्पटन लो आयोजति मा १८४४ डिसिम्बर २८-२९ दमस्तीगूले ,दनि सान्त्वना सन्तहरूलाई हाइम्सले गर्छन्। टपिपणी, प्रसङ्गमा सम्बन्धति मिलिरसँग र हाइम्स वशिषतः एडभेन्ट, हप्तापछि केही गरे। आग्रह गर्न घोषणा उद्धारको पापीहरूलाई र, पार्न जागृत संसारलाई खरीष्टियन को" डोर शट "क्रमशः मिलिरले गरे। घोषणा रहेको खुला ढोका उद्धारको हाइम्सले र, आयो सञ्चालनमा पुनः प्रेस ,महनिमा त्यही फर्किए। दृष्टिकोणमा प्रारम्भिक आफ्नो सम्बन्धी" क्राइ मडिनाइट "र त्यागे अवधारणा चरम खस्छन् बाटोबाट गर्नेहरू असवीकार लाई" क्राइ मडिनाइट "जसमा, पाइन् दर्शन पहिलो आफ्नो ह्वाइटले एलेन थियो। पन लागि मिलिरका वलियिम जत्तकै कसैको अरू दर्शन त्यो थियो। देखाइएको भन्ने

وليام ملر کی آخری آزمائش اور میراث

از کتاب * Writings* Writings* صفحه 257:

"پھر میری توجہ ولیم ملر کی طرف مبذول کی گئی۔ وہ پریشان نظر آتا تھا اور اپنے لوگوں کے لیے اضطراب اور غم کے بوجھ سے جھکا ہوا تھا۔ وہ جماعت جو 1844 میں متحد اور محبت رکھنے والی تھی، اپنی محبت کھوتی جا رہی تھی، ایک دوسرے کی مخالفت کر رہی تھی، اور سرد مہری اور پس ماندگی کی حالت میں گرتی جا رہی تھی۔ یہ دیکھ کر غم نے اس کی قوت کو گھلا دیا۔ میں نے دیکھا کہ سرکردہ لوگ، بالخصوص جوشوا ہائمز، اس پر نظر رکھے ہوئے تھے اور اس خوف میں تھے کہ کہیں وہ تیسرے فرشتے کے پیغام کو قبول نہ کر لے۔"

پیام فرشتہ سوم در این زمینه، سبب است. هنگامی که میلر به سوی نور آسمان متمایل می‌شد، این مردان نقشه می‌کشیدند تا ذهن او را از آن منحرف سازند. نفوذ انسانی او را در تاریکی نگاه داشت و نفوذ او را در میان کسانی که با حقیقت مخالفت می‌کردند، حفظ کرد. سرانجام، میلر صدای خود را بر ضد نور آسمان—یعنی سبب—بلند کرد. او از پذیرفتن آن پیامی که می‌توانست سبب نومی‌دی او را توضیح دهد و بر گذشته نور و جلال افکند، بازماند. او به جای حکمت الهی، بر حکمت بشری تکیه کرد. چون از رنج کار و کھولت سبب شکسته شده بود، به اندازه کسانی که او را از حقیقت بازداشتند، مسئول نبود. گناه بر عهده آنان است. اگر میلر می‌توانست نور فرشته سوم را ببیند، بسیاری چیزها برای او توضیح داده می‌شد. اما برادرانش چنان محبت عمیقی نسبت به او اظهار می‌کردند که او می‌پنداشت هرگز نمی‌تواند خود را از آنان جدا سازد. خدا اجازه داد که او زیر سلطه مرگ فرو افتد و

او را در قبر از کسانی که او را از حقیقت منحرف ساخته بودند، پنهان کرد. موسی پیش از ورود به سرزمین موعود خطا کرد؛ همچنین میلر نیز در آستانه ورود به کنعان آسمانی خطا ورزید. دیگران او را به این کار کشاندند؛ دیگران باید حساب آن را پس دهند. اما فرشتگان بر غبار گران‌بهای این خادم خدا دیده‌بانی می‌کنند، و او با صدای کرنای آخر بیرون خواهد آمد.

نتیجه‌گیری: درس‌هایی برای امروز

در پایان، ویلیام میلر نماد ادونتیست‌های روز هفتم در پایان جهان است. نخستین رؤیای الن وایت بیش از آن‌که برای روزگار خود او باشد، برای روزگار ماست. در پایان جهان، ادونتیست‌های روز هفتم نور ندای نیمه‌شب را رد خواهند کرد. نور ندای نیمه‌شب تنها از راه فهم این تاریخ قابل درک است. نخستین سرخوردگی، جنبش میلری را از کسانی که به دلایل نادرست در آن بودند، پاک ساخت و مردم را برای تجربه آزمونی‌ای آماده کرد که آنان را به قدس‌الاقداس رهبری می‌کرد. آنان که به نخستین سرخوردگی می‌رسند، تنها در صورتی مبارک‌اند که تا 22 اکتبر 1844 انتظار بکشند. این زمان از سوی خدا تعیین شده است تا قومی را پدید آورد که او آنان را به قدس‌الاقداس گرد خواهد آورد. رد کردن ندای نیمه‌شب و از راه فرو افتادن، به معنای رد کردن تمام این تاریخ است.

ویلیام میلر سه اشتباه مرتکب شد، و ما همواره با سه آزمون آزموده می‌شویم. نخستین خطای او این بود که در دسامبر ۱۸۴۴ ندای نیمه‌شب را رد کرد. دومین خطای او این بود که به‌جای خدا به انسان‌ها گوش سپرد، و این امر او را به سومین اشتباهش رهنمون شد: رد سبت. در پایان جهان، ادونتیست‌های روز هفتم تاریخ ندای نیمه‌شب و دعوت به بازگشت به راه‌های کهن را رد خواهند کرد، زیرا به رهبران خود گوش می‌سپارند. آنان بدین‌سان خود را برای نشان وحش آماده می‌کنند و فرایند آزمون سه‌مرحله‌ای میلر را تکرار می‌نمایند؛ فرایندی که با چگونگی ارتباط ایشان با پیام و تاریخ ندای نیمه‌شب آغاز می‌شود.

از نخستین نومیدی تا دومین نومیدی، تنها دو نبوت وجود دارد که به این تاریخ می‌پردازد: ۲۳۰۰ روز («اگرچه رؤیا تأخیر نماید، منتظر آن باش») و ۲۵۲۰. رد کردن ۲۵۲۰ یعنی رد کردن فریاد نیمه‌شب. رد کردن فریاد نیمه‌شب یعنی سقوط از مسیر به جهان شریر زیرین.

مور به په راتلونکې وینا کې دې ته لا زیات پام وکړو.